

عنوان مقاله:

مقایسه امر سیاسی و جامعه سیاسی مطلوب در اندیشه هابرماس و موفه

محل انتشار:

فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، دوره 5، شماره 14 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

محمدعلی توانا - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه یزد

فرزاد آذرکمند - کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه یزد

خلاصه مقاله:

چکیده در سال های اخیر دو نظریه رقیب، دموکراسی رایزنانه هابرماس و دموکراسی مجادله ای موفه، خود را به عنوان بدیلی برای دموکراسی لیبرال طرح کرده اند. به نظر می رسد هر نظریه سیاسی بر تعریفی از امر سیاسی و متناسب با آن جامعه سیاسی مطلوب بنا شده است. بر این اساس، می توان این پرسش ها را طرح کرد: هابرماس و موفه امر سیاسی را چگونه تعریف میکنند؟ و، متناسب با این تعاریف، جامعه سیاسی مطلوب آنان چه ویژگی هایی می یابد؟ به نظر می رسد هابرماس امر سیاسی را کنش زبانی میان سوژه های عقلانی اخلاقی در عرصه عمومی به منظور دست یابی به مفاهیم می داند. بر اساس این تعریف، جامعه سیاسی اجماعی شکل خواهد گرفت که نه تنها روابط عقلانی اخلاقی، خودآیینی، و مصالحه بر آن حاکم خواهد بود، بلکه وحدت جای تعدد و تکرار خواهد گرفت. در مقابل، موفه امر سیاسی را کنش خصومت آمیز میان سوژه های متعارض در بستر اجتماعی می داند. بر اساس این تعریف، جامعه سیاسی مجادله آمیزی بر مبنای منطق هژمونی شکل می گیرد که در آن عنصر دشمنی به مخالفت بدل می شود. روش این پژوهش هرمنوتیک متن محور است.

کلمات کلیدی:

کلیدواژه ها: امر سیاسی، جامعه سیاسی، دموکراسی رایزنانه، دموکراسی مجادله ای، سیاست، موفه، هابرماس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1292461>

